

## پیش بینی سازگاری زناشویی بر اساس مثلث سازی و ساختار قدرت

ایمان خاکپور<sup>۱</sup>، علی محمد نظری<sup>۲</sup>

و کیانوش زهراکار<sup>۳</sup>

ازدواج موفق و رضایتمندانه مستلزم سطح پایداری از سازگاری زوج هاست. سازگاری زناشویی دارای ابعاد مختلفی است که تحت تاثیر عوامل گوناگون قرار می گیرد. چگونگی ساختار قدرت در خانواده، نقش مهمی در رضایت زناشویی دارد. هرگاه زوجین قادر نباشند در مورد چگونگی توزیع قدرت به توافق برسند، سازگاری زناشویی تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. هدف پژوهش حاضر پیش بینی سازگاری زناشویی توسط مثلث سازی و ساختار قدرت در خانواده بود. بدین منظور طی یک پژوهش توصیفی ۲۲۰ نفر از معلمان زن متاهل مقطع ابتدایی شهر کرج به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب و از نظر سازگاری زناشویی، ساختار قدرت در خانواده و مثلث سازی در خانواده مورد آزمون قرار گرفتند. تحلیل رگرسیون نشان داد که رابطه ی معناداری بین ساختار قدرت و مثلث سازی با سازگاری زناشویی وجود دارد. با توجه به یافته ها می توان گفت شکل ساختار قدرت خانواده و ناتوانی زوج ها برای حل تعارض رابطه ی زناشویی با ایجاد مثلث نقش مهمی در سازگاری زناشویی دارد.

**واژه های کلیدی:** سازگاری زناشویی، مثلث سازی، ساختار قدرت خانواده.

### مقدمه

با نظر کردن به گذشته ی انسان، ازدواج به عنوان مهمترین مرحله از زندگی بشر در نظر گرفته شده است. حمایت عاطفی و اجتماعی که از طریق ازدواج بدست می آید بر سلامت فیزیکی، معنوی و اجتماعی زوجها تاثیر گذار است (کالکان، ارسانلی، ۲۰۰۸). سازگاری زناشویی، حالتی است که در

۱. دپارتمان مشاوره خانواده، دانشگاه خوارزمی تهران. تهران، ایران (نویسنده مسوول) imkhakpoor@gmail.com

۲. دپارتمان مشاوره خانواده، دانشگاه خوارزمی تهران. تهران، ایران

۳. دپارتمان مشاوره خانواده، دانشگاه خوارزمی تهران. تهران، ایران

آن یک احساس کلی از رضایت و شادکامی در زن و شوهر نسبت به ازدواج شان و نسبت به یکدیگر وجود دارد. همسر بودن، نقش منحصر به فردی را برای فرد ایجاد می کند تا جایی که بیشترین تعاملات صمیمی در رابطه با همسر اتفاق می افتد (سین ها، ماکرجی، ۲۰۰۱). ازدواج موفق و رضایتمندانه مستلزم سطح پایداری از سازگاری زوج ها و سازه ای چند بعدی است که ابعاد مختلف آن می توانند تغییرات متفاوتی داشته باشند. همانطور که مطالعات مربوط به کیفیت زناشویی و سلامتی نشان می دهد، داشتن تعاملات و کیفیت زناشویی مثبت، باعث ارتقای مقاومت در برابر بیماری ها می شود (اشمور، امرلی، هاک، ماسینتر، ۲۰۰۵). تحقیق مصطفی، لوپر، پوردن، زلکوویت و بارون (۲۰۱۲) روی بیماران نشان داد که سازگاری زناشویی بهتر، با بیماری کمتری همراه است. افراد متاهل سازگار بیشتر عمر می کنند، در رفتارهای خطرناک کمتر درگیر هستند و در مقایسه با افراد ناسازگار کمتر دچار مشکلات روان شناختی می شوند. می توان چنین بیان کرد که مفهوم سازگاری زناشویی مفهومی ایستا و ثابت نیست و اکثر زوج ها در طی زندگی مشترک خود، تغییرات جزئی در میزان رضامندی را تجربه می کنند و در نتیجه آنها همواره ناگزیرند خود را فعالانه با جنبه های گوناگون و تغییر پذیر فیزیکی، اجتماعی و روانی محیط خود سازگار کنند (تیرگری، ۲۰۰۴).

مینوچین، خانواده را به عنوان یک ارگانسم که به وسیله ی ساختار، نظم می یابد، تعریف می کند. این ساختار به معنی الگوهای تعاملات تکراری است. ساختار، نحوه ی ارتباط برقرار کردن اعضا، مدیریت تعارضات، توزیع نقش ها و شیوه ی گفتگو را مشخص می سازد. خانواده های سالم ساختارشان را متناسب با نیازهای موقعیتی اعضا وفق می دهند ولی در خانواده های ناسالم، الگوهای تعاملی خانواده به طور نسبی در موقعیت های مختلف ثابت است (میترا، فیستر، مکابی، ساجا، زاپاکونیک، ۲۰۰۵). یک توافق کلی وجود دارد که قدرت، یک فرایند محوری در تعاملات خانواده است (ویشن، جاکوبسون، ۱۹۹۰). اکثر محققین صرف نظر از اختلافات لغوی، وجه تصمیم گیری را به نمایندگی از مفهوم قدرت در خانواده بکار می برند. وقتی سوال می شود چه کسی در خانواده اعمال قدرت می کند، این امر به طور اخص به تصمیم گیری ها در خانواده اشاره دارد (از برغمندی، ۲۰۰۸). منظور از ساختار قدرت در خانواده، الگوهای روابط قدرت حاکم بر خانواده است. بیشتر محققین بر اساس نوع

روابطی که بین زن و شوهر در خانواده وجود دارد، آرایش الگوهای تصمیم‌گیری را به چهار وضعیت شامل تشریک مساعی زن و شوهر در حل مسایل، حوزه ی مستقل هریک از زن و شوهر، حاکمیت زن و حاکمیت مرد تقسیم می‌کنند (صبوری خسروشاهی، مهدوی، ۲۰۰۳). لیندال، مالیک، کازینسکی و سیمونز (۲۰۰۴)، ویشمن، جاکوبسون (۱۹۹۰)، لیتل، باکوم، هامبی (۱۹۹۶) نشان دادند که قدرت تقسیم شده بین زن و شوهر، بالاترین سطح رضایت را نشان می‌دهد و تسلط زن در رابطه ی زوجی نسبت به رابطه ی مشارکتی و تسلط مرد، رضایت کمتری را به همراه می‌آورد. البته تمایل به قدرت در تصمیم‌گیری به وسیله یک والد یا هر دو والد، به میزان زیادی توسط هنجارهای اجتماعی و میزان منابع در دسترس هر والد و همچنین میزان درک هر والد از مساله ی مورد نظر بستگی دارد (کولیک، ۲۰۰۹).

هرگاه زوج قادر نباشند در مورد چگونگی توزیع قدرت به توافق برسند، فردی که احساس کند از قدرت لازم برخوردار نیست، برای بهبود وضعیت خود به شیوه های دیگری متوسل می‌شود. یکی از این شیوه ها کشیدن فرد سومی به رابطه است، ورود فرد دیگر منجر به ایجاد مثلث سازی در خانواده می‌شود (جنکینز، بوکی نی، ۲۰۰۲). مثلث سازی الگویی رایج در روابط انسانی و غیر انسانی است. گلایه کردن از همسر نزد یک دوست، گفت و گوی همکارانه درباره ی نواقص رییس و کمک گرفتن فرزندان برای حل مشکل با همشیران، نمونه هایی از مثلث سازی است (بهزادی، ۲۰۱۰). در دعوای زناشویی، رایج ترین مثلث ها به مشکلات فامیلی، روابط نامشروع و یا مشکلات کودک منجر می‌شود. مثلث ها در بین نسل ها یافت می‌شود زیرا والد یا فرزند برای کشیده شدن به دعوای زناشویی، معمولا آسیب پذیرترین فرد دم دست است (پروچاسکا، نورکراس، ۲۰۰۷). ایجاد مثلث نه تنها کیفیت رابطه ی زناشویی (بهزادی، ۲۰۰۹)، بلکه دیگر ابعاد، مثل کاهش رابطه والد-فرزندی (فوسکو و گریچ، ۲۰۱۰)، افسردگی فرزندان (وانگ، کراین، ۲۰۰۱) و جلوگیری از رشد فرزندان (بیل، بیل و ناکاتا، ۲۰۰۱) را تحت تاثیر قرار می‌دهد. باتوجه به آنچه گفته شد، هدف پژوهش حاضر پیش بینی سازگاری زناشویی توسط مثلث سازی و ساختار قدرت در خانواده بود.

## روش

این پژوهش یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه ی آماری این پژوهش، شامل معلمان زن متاهل مقطع ابتدایی ناحیه ۲ شهر کرج بود. از این جامعه، ۲۲۵ نفر با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. با حذف داده های پرت تعداد ۲۱۲ داده مورد تحلیل قرار گرفت. آزمودنی ها بعد از توضیح اهداف پژوهش، با پرسشنامه ی سازگاری زناشویی<sup>۱</sup> (DAS)، پرسشنامه ی ساختار قدرت خانواده<sup>۲</sup> و پرسشنامه مثلث سازی<sup>۳</sup> مورد آزمون قرار گرفتند.

پرسشنامه ی سازگاری زناشویی (DAS)، یک ابزار ۳۲ سوالی است که توسط اسپانیر<sup>۴</sup> در سال ۱۹۷۶ ساخته شده است. این مقیاس ابزاری برای ارزیابی کیفیت رابطه ی زناشویی از نظر زن و شوهر یا هر دو نفری است که با هم زندگی می کنند. این مقیاس دارای چهار بعد توافق دو نفری، رضایت دو نفری، همبستگی دو نفری و ابراز محبت است. ثنایی و همکاران (۲۰۰۸) اعتبار و پایایی این پرسش نامه را مورد تایید قرار داده اند. فلاح زاده و ثنایی (۲۰۱۲) نیز در پژوهش خود پایایی این مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ گزارش کرده اند. پایایی پرسش نامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۳ بدست آمد.

پرسش نامه ساختار قدرت خانواده یک ابزار ۴۶ سوالی است که توسط سعیدیان در سال ۲۰۰۳ ساخته شده و دارای ۳ خرده مقیاس قلمرو قدرت زن و شوهر، ساخت قدرت، شیوه ی اعمال قدرت زن و شوهر (سعیدیان، ۲۰۰۳، به نقل از برغمندی، ۲۰۰۸) است. برغمندی با محاسبه آلفای کرونباخ، این پایایی را برای مقیاس اول ۰/۸۵، مقیاس دوم ۰/۶۳ و مقیاس سوم ۰/۸۶ گزارش کرده است.

پرسشنامه ی مثلث سازی شامل دو ابزار مثلث سازی با کودک و مثلث سازی با نزدیکان بود. مثلث سازی با کودک، ادراک والدین از تلاش های همسر برای مثلث سازی با کودک را می سنجد و شامل ۱۳ سوال است (بهزادی، ۲۰۰۹). مثلث سازی با نزدیکان شامل ۷ سوال است و مجموع نمرات آن به عنوان نمره ی کل وقوع مثلث سازی با نزدیکان در نظر گرفته می شود. مقیاس مثلث سازی با اطرافیان توسط بهزادی (۲۰۰۹) ساخته شده است و ضریب آلفای آن ۰/۸۰ گزارش شده است.

## یافته ها

در جدول ۱ مولفه های توصیفی متغیرهای پژوهش ارایه شده است.

1. Dyadic Adjustment Scale (DAS)
2. Family power structure Scale

3. Triangulation Scale
4. Spanier

## جدول ۱. مولفه های توصیفی متغیر پژوهش

|   | r                   |                     |                     |                     |                     |        | sd       | M |                       |
|---|---------------------|---------------------|---------------------|---------------------|---------------------|--------|----------|---|-----------------------|
| ۶ | ۵                   | ۴                   | ۳                   | ۲                   | ۱                   |        |          |   |                       |
|   |                     |                     |                     |                     | ۱                   | ۱۰/۷۶۹ | ۹۸/۵۶۱   | ۱ | قلمرو قدرت            |
|   |                     |                     |                     | ۱                   | ۰/۲۵ <sup>°°</sup>  | ۷/۲۸۳  | ۶۲/۳۳۴   | ۲ | ساخت قدرت             |
|   |                     |                     | ۱                   | ۰/۵۱ <sup>°°</sup>  | ۰/۴۴ <sup>°°</sup>  | ۵/۸۶۵  | ۲۸/۰۹۹   | ۳ | اعمال قدرت            |
|   |                     | ۱                   | -۰/۲۹ <sup>°°</sup> | -۰/۲۳ <sup>°°</sup> | -۰/۲۲ <sup>°°</sup> | ۷/۴۸۹  | ۲۱/۱۷۴   | ۴ | مثلث سازی با فرزند    |
|   | ۱                   | ۰/۶۱ <sup>°°</sup>  | -۰/۳۴ <sup>°°</sup> | -۰/۱۹ <sup>°°</sup> | -۰/۲۶ <sup>°°</sup> | ۴/۱۶۴  | ۱۰/۲۶۴   | ۵ | مثلث سازی با اطرافیان |
| ۱ | -۰/۵۲ <sup>°°</sup> | -۰/۵۵ <sup>°°</sup> | ۰/۶۴ <sup>°°</sup>  | ۰/۴۴ <sup>°°</sup>  | ۰/۴۹ <sup>°°</sup>  | ۱۸/۴۸۰ | ۱۱۸/۹۶۷۰ | ۶ | سازگاری زناشویی       |

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می شود، می توان گفت بین همه ی متغیرهای پژوهش با سازگاری زناشویی در سطح آلفای ۰/۰۱ رابطه ی معنادار وجود دارد. بین سه متغیر قلمرو قدرت، ساخت قدرت و اعمال قدرت با سازگاری زناشویی رابطه ی مثبت وجود دارد، بنابراین هر قدر ساختار قدرت خانواده بالاتر باشد (مشارکتی تر)، سازگاری زناشویی نیز بیشتر است اما، همانطور که مشاهده می شود متغیرهای مثلث سازی با فرزند و مثلث سازی با اطرافیان با سازگاری زناشویی رابطه ی منفی دارد، بر این اساس می توان گفت، هر قدر مثلث سازی با فرزند و مثلث سازی با اطرافیان بیشتر باشد، سازگاری زناشویی کمتر خواهد بود.

نتایج رگرسیون چندگانه به روش ورود همزمان<sup>۱</sup> با در نظر گرفتن سازگاری زناشویی به عنوان متغیر ملاک و اعمال قدرت زن و شوهر، ساخت خانواده، قلمرو قدرت، مثلث سازی با فرزند و مثلث سازی با اطرافیان به عنوان متغیر پیش بین ( $R=0/78$  و  $R^2=0/61$ ) نشان می دهد که ترکیب متغیرهای اعمال قدرت زن و شوهر، ساخت خانواده، قلمرو قدرت، مثلث سازی با فرزند و مثلث سازی با اطرافیان قادر است تا ۶۱ درصد از واریانس متغیر سازگاری زناشویی را پیش بینی کند. جدول ۲، تحلیل واریانس پیش بینی کننده های سازگاری زناشویی از روی اعمال قدرت زن و شوهر، ساخت خانواده، قلمرو قدرت، مثلث سازی با فرزند و مثلث سازی با اطرافیان را نشان می دهد. همانطور که مشاهده می شود، ترکیب متغیرهای اعمال قدرت زن و شوهر، ساخت خانواده، قلمرو قدرت، مثلث سازی با فرزند و مثلث سازی با اطرافیان قادر به پیش بینی سازگاری زناشویی است:

( $F(5, 206)=65/861$  و  $P < 0/011$ ).

## جدول ۲. خلاصه ی تحلیل واریانس پیش بینی کننده های سازگاری زناشویی از روی اعمال قدرت زن و شوهر، ساخت خانواده، قلمرو قدرت، مثلث سازی با فرزند و مثلث سازی با اطرافیان

| مدل        | SS        | df  | MS       | F      | Sig.  |
|------------|-----------|-----|----------|--------|-------|
| رگرسیون    | ۴۴۳۳۲/۲۱۱ | ۵   | ۸۸۶۶/۴۴۲ | ۶۵/۸۶۱ | ۰/۰۰۱ |
| باقی مانده | ۲۷۷۳۲/۵۵۸ | ۲۰۶ | ۱۳۴/۶۲۴  |        |       |
| کل         | ۷۲۰۶۴/۷۶۹ | ۲۱۱ |          |        |       |

به این ترتیب می توان گفت سازگاری زناشویی بر اساس اعمال قدرت زن و شوهر، ساخت خانواده، قلمرو قدرت، مثلث سازی با فرزند و مثلث سازی با اطرافیان قابل پیش بینی است. با توجه به نتایج جدول ۳ و معنی دار بودن آزمون t مرتبط با معناداری ضریب رگرسیون، می توان گفت که متغیرهای قلمرو قدرت، اعمال قدرت زن و شوهر، مثلث سازی با فرزند و مثلث سازی با اطرافیان در سطح آلفای ۰/۰۱ و ساخت قدرت در سطح آلفای ۰/۰۵ هر یک به تنهایی نیز توان پیش بینی سازگاری زناشویی را دارد. در میان متغیرهای پیش بین با توجه به ضرایب بتا می توان بیان کرد که به ترتیب اعمال قدرت زن و شوهر، مثلث سازی با فرزند، قلمرو قدرت، مثلث سازی با اطرافیان و ساخت خانواده بیشترین سهم در تبیین واریانس سازگاری زناشویی را دارا هستند.

## جدول ۳. ضرایب معادله جهت پیش بینی سازگاری زناشویی از طریق ساختار قدرت و مثلث سازی

| مدل                   | خطای استاندارد | ضرایب غیر استاندارد بتا | ضرایب استاندارد بتا | T     | Sig.  |
|-----------------------|----------------|-------------------------|---------------------|-------|-------|
| ثابت                  | ۱۰/۵۸۷         | ۵۶/۸۹۹                  |                     | ۵/۳۷۴ | ۰/۰۰۱ |
| قلمرو قدرت            | ۰/۰۸۳          | ۰/۳۴۶                   | ۰/۲۰۱               | ۴/۱۳۹ | ۰/۰۰۱ |
| ساخت قدرت             | ۰/۱۲۸          | ۰/۲۸۸                   | ۰/۱۱۳               | ۲/۲۳۵ | ۰/۰۲۶ |
| اعمال قدرت            | ۰/۱۷۵          | ۱/۱۳۶                   | ۰/۳۶۱               | ۶/۴۹۸ | ۰/۰۰۱ |
| مثلث سازی با فرزند    | ۰/۱۳۶          | -۰/۷۱۲                  | -۰/۲۸۸              | ۵/۲۳۱ | ۰/۰۰۱ |
| مثلث سازی با اطرافیان | ۰/۲۴۸          | -۰/۶۵۱                  | -۰/۱۴۷              | ۲/۶۲۵ | ۰/۰۰۹ |

## بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش به دنبال پیش بینی سازگاری زناشویی براساس مثلث سازی و ساختار قدرت در خانواده بودیم. نتایج بدست آمده نشان داد که سازگاری زناشویی به وسیله ساختار قدرت و مقیاس های آن قابل پیش بینی است و هرچه که ساختار قدرت در خانواده مشارکتی باشد، سازگاری زناشویی بیشتر

خواهد بود. نتایج حاصل با پژوهش هایی مانند فرحبخش، معین سهامی (۲۰۱۲)، زارعی توپخانه، جان بزرگی و احمدی محمد آبادی (۲۰۱۱)، برغمندی (۲۰۰۸)، کولیک (۲۰۰۹)، لیتل و همکاران (۱۹۹۶)، بهمنی، آریامنش و غلامی (۲۰۱۳) که نشان دادند رابطه ی مثبت و معناداری بین تساوی و رضایت زناشویی وجود دارد، همسو است. خرسندترین خانواده هم ممکن است در بخشی از یک سیستم قدرت باشد که در تمام اوقات هریک از اعضا تلاش کنند دیگر اعضا را به انجام دادن (یا انجام ندادن) کارهایی بر خلاف میل آنها تحریک کنند (سلیمانی، ۲۰۱۲). محققان عقیده دارند که ازدواج هایی با ساختار قدرت متقارن به وسیله نوعی از عواطف، همدلی و صمیمیت باعث کیفیت بالا و ثبات ازدواج می شود.

نقش ها و تصمیم گیری های مشارکتی به دو دلیل کیفیت ازدواج را افزایش می دهد یکی اینکه فعالیت های مشارکتی علایق و تجارب مشترک بین زن و شوهر بوجود می آورد که پیرامون این فعالیت ها می توانند صحبت، همدلی و فهم متقابل ایجاد شود و دیگر اینکه حذف اختیار و قدرت پدرسالار در روابط زناشویی از طریق مشارکت، به عنوان یک مکانیسم برای ارتقای صمیمیت زناشویی در نظر گرفته می شود (ناک، ویلکاکس، ۲۰۰۰ از کولیک، ۲۰۰۹). عامل مهم در هماهنگی خانواده، میزان هماهنگ بودن نیازها و توانایی همسران و مقدار خشنودی آنها از روابط متقابل است. چون وظایف افراد در خانواده متفاوت است، نقش ها نیز تفاوت دارد و به تناسب وظیفه، هر فرد دارای قدرت است. به طور کلی چنین فرض می شود که خانواده های سالم یک ساختار قدرت متقارن و روشن دارند در حالی که خانواده های ناسالم با ساختار قدرت نامتقارن، انکار شده و تحریف شده مشخص می شود (ویشمن، جاکسون، ۱۹۹۰). یک ساختار سلسله مراتبی ناکارآمد وقتی وجود دارد که والدین در بکار بردن مسوولیت های رهبری خود در خانواده شکست می خورند. رهبری معیوب والدین در خانواده مخصوصا اگر به صورت غفلت یا سو استفاده باشد و یا اینکه در روابط زن و شوهری پرخاشگری وجود داشته باشد، می تواند زمینه را برای پرخاشگری فرزندان مهیا سازد (مادامز، فوستر، بلیک، برندل، ۲۰۰۹).

نتایج در این پژوهش نشان داد که مثلث سازی، بیشتر باعث کاهش سازگاری زناشویی می شود. این نتیجه همسو با سایر تحقیقات مشابه انجام شده در این زمینه از قبیل بهزادی (۱۳۸۸)، وانگ و کراین (۲۰۰۱)، فوسکو و گریچ (۲۰۱۰)، گریچ، راینر و فوسکو (۲۰۰۴)، به نقل از بهزادی، (۲۰۰۹) بود.

یک عامل درونی مهم در فرایندهای خانوادگی، توانایی زوج ها برای حل مشکلات در داخل رابطه ی خودشان است. جامعه شناسان، اغلب بیان کرده اند که رابطه ی دوگانه در برابر استرس و تعارض کم

دوام است. پایداری رابطه ی دوگانه با ورود شخص سوم حاصل می شود. عامل تعیین کننده در دخالت نفر سوم ناتوانی زوج برای روبه رو شدن با آسیب، غلبه کردن بر استرس یا توانایی ضعیف آنها برای حل مساله است (بیل، بیل، ناکاتا، ۲۰۰۱).

یک زوج سالم می تواند درباره ی همه ی مسایل و احساسات شخصی شان با یکدیگر صحبت کنند بدون آنکه اضطرابی را تجربه کنند. زوج هایی که مثلی را شکل می دهند، معمولاً درباره ی وجود هرگونه اختلاف و ناسازگاری واقعی در داخل رابطه شان انکار شدیدی می کنند، بین آنها نزدیکی بدون هیچ گونه گرمی و صمیمیت وجود دارد، نزدیکی دروغین. وقتی که یک دختر یا پسر به عنوان واسطه وارد رابطه ی والدین می شود، می توان گفت که مرز بین نسلی بین والدین و فرزند نقض می شود و یک مرز ضعیف و از هم پاشیده بین نسلی شکل می گیرد. این گونه مرزها باعث می شود که والدین به جای اتکا، اعتماد و کمک از همسر به فرزندان روی آورند (کوهن، ۲۰۰۸).

والدین، ظاهراً با هم هماهنگی دارند و مشکل آنها پشت تلاش برای فرزند دشوارشان گم شده است. ناراحتی آنها بیشتر احساس پوچی از کاری بی حاصل و تحلیل رفتن عاطفی است. ممکن است احساس کنند که رابطه مرده است اما، هیچ کدام جرات نمی کنند درباره ی آن صحبت و حتی هوشیارانه فکر کنند. درگیر شدن در چنین مثلی باعث سرکوب عواطف آنها، اجتناب از نیازهای ارضا نشده و نفی احساس دوری از یکدیگر است. با توجه به فرهنگ حاکم بر ازدواج در کشور، خانواده هنوز نقش مهمی در این زمینه ایفا می کند و افراد پس از ازدواج، ارتباط نیرومندی با خانواده ی اصلی خود دارند. وجود این ارتباط اگرچه در بسیاری از مواقع برای زوج کمک کننده است ولی این امکان نیز وجود دارد که در هنگام بروز تعارض در رابطه ی زوجی یکی از زوج ها اطرافیان را وارد رابطه تعارض آمیز کند و امکان ایجاد مثلث را فراهم سازد. چنین وضعیتی با تمام اضطراب های آن می تواند مدت ها زن و شوهر را نگه دارد ولی با خارج شدن فرد سوم از این رابطه مشکلات و معضلات والدین دوباره خودنمایی خواهد کرد.

#### References

- Ahmadi, kh., Azad marzabadi, S., & Mollazadeh, A. (2005). Survey Marital status and marital adjustment among Army personnel. *Military medicine*, N. 7, pg. 141-152. (Persian)
- Ashmore, J. A., Emery, C. H. F., Hauck, E. R., & MacIntyre, N. R. (205). Marital adjustment among Patients with Chroni Obstructive Pulmonary Disease Who are Participating in Pulmonary Rehabilitation. *Heart & Lung*, N 12, 270 – 278.
- Bahmani, M., Aryamanesh, M., & Gholami, S. (2013). Equity and Marital Satisfaction in Iranian Employed and Unemployed Women. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 84, 421 – 425. (Persian)
- Barghmadi, S. (2008). *The Relationship between Family Power Structure and Couples mental Health in Sabzevar*. Kharazmi University. Master's thesis. (Persian).
- Behzadi, M. (2009). *Examine the Mediating Role of Triangulation in the Relationship between Parents' Apparent Hostility and Behavioral Problems in Children*. Shahid Beheshti University. Master's thesis. (Persian).



- Bell, L. G., Bell, D. C., & Nakata, Y. (2001). Triangulation and Adolescent Development in the U.S. and Japan. *Family Process, 40* (2), pg. 173-186.
- Cohen, Y. B., (2008). "Tell her she's wrong!" Triangulation as a spousal influence strategy. *Journal of Consumer Marketing, 25* (4), 223-229.
- Dallos, R., & Vetere, A. (2012). Systems Theory, Family Attachments and Processes of Triangulation: Does the Concept of Triangulation Offer a Useful Bridge? *Journal of Family Therapy, N 34*, 117-137.
- Falahzade, H., & Sanai, B. (2012). Determine the effectiveness of emotion-focused couple therapy and syncretist Systematic couple therapy on Increasing marital adjustment couples attachment injury. *Social-Psychological Study of Women, 10* (4), pg. 87-110. (Persian)
- Farahbakhsh, Q., Moin, L., & Sahami, S. (2012). Relationship the family power structure with self-concept and mental health of women primary school teachers Darab City. *Woman and Family Studies, N. 16*, pg. 63-49. (Persian)
- Fosco, G. M., & Grych, J. H. (2010). Adolescent Triangulation Into Parental Conflicts Longitudinal Implications for Appraisals and Adolescent-Parent Relations. *Journal of Marriage and Family, 72*, (2), pg. 254-266.
- Ghaemifar, H., & Hemayatkhah, J. M. (2009). Family Influences on Sexual Identity Formation the Female Students of Jahrom Payamnoor University. *Research Youth, Culture and Society, N 3*, pg. 83-102. (Persian).
- Ghaemi Fard, M. (2011). The triangle mediator between attachment style and function of couples married in the city of Qom. MA Thesis, Elm va Farhang University, Tehran. (Persian)
- Holman, B. T., Birch, J. P., Carroll, S. J., Doxey, C., Larson, H. J., & Linford, T. S. (2002). *Premarital Prediction of Marital Quality or Breakup*. New York: Kluwer Academic Publishers.
- Htun, M., & Weldon, S. L. (2011). State Power, Religion, and Women's Rights: A Comparative Analysis of Family Law. *Indiana Journal of Global Legal Studies Vol. 18*, 1. 145-165.
- Jenkins, J. M., & Buccioni, J. M. (2000). Children's Understanding of Marital Conflict and the Marital Relationship. *J. Child Psychol. Psychiat, 41*( 2), pg. 161-168.
- Kalkan, M., & Ersanli, E. (2008). The Effects of the Marriage Enrichment Program Based on the Cognitive Behavioral Approach on the Marital Adjustment of Couples. *Educational Sciences: Theory & Practice, 8* (3), 977-986.
- Kulik, I. (2009). Explaining the Sense of Family Coherence Among Husbands and Wives: The Israeli Case. *The Journal of Social Psychology, 149* (6), 627-647.
- Larson, J. H., & Wilson, S. (2000). Family of Origin Influences on Young Adult Career Decision Problems: A Test of Bowenian Theory. *The American Journal of Family Therapy, 26*, 39-53.
- Lee, C. K. C., & Beatty, S. E. (2002). Family structure and Influence in Family Decision Making. *The Journal of Consumer Marketing, 19* (1) pg. 24-41.
- Lindhal, L. K. M., & Malik, N. M. (1999). Observations of Marital Conflict and Power: Relations with Parenting in the Triad. *Journal of Marriage and the Family; 61* (2), pg. 320-330.
- Lindhal, L. K. M., Malik, N. M., Kaczynski, K., & Simons, J. S. (2004). Couple Power Dynamics, Systemic Family Functioning, and Child Adjustment: A Test of a Mediational Model in a Multiethnic Sample. *Development and Psychopathology, N 16*, 609-630.
- Little, B. G., Baucom, D. H., & Hamby, S. H. (1996). Marital Power, Marital Adjustment, and Therapy Outcome. *Journal of Family Psychology, Vol. 10*, 292-303.
- Mangson, K., & Berger, L. M. (2011). Family Structure States and Transitions: Associations With Children's Well-Being During Middle Childhood. *Journal of Marriage and Family, 71*, 575 - 591.
- McAdams, C. R., Foster, V. A., Blake, K. D., & Brendel, J. M. (2009). Dysfunctional Family Structures and Aggression in Children: A Case for School-Based, Systemic Approaches With Violent Students. *Journal of School Counseling, 7*(9), pg 1-33.
- Mitrani, V. B., Feaster, D. J., McCabe, B. E., Czaja, S. J., & Szapocznik, J. (2005). Adapting the Structural Family Systems Rating to Assess the Patterns of Interaction in Families of Dementia Caregivers. *Gerontologist, 45* (4), 445-455.
- Mustafa, S. J., Loper, K., Purden, M., Zekowitz, P., & Baron, M. (2012). Better Marital Adjustment is Associated with Lower Disease Activity in Early Inflammatory Arthritis. *Turk J Med Sci, 42*, 1180-1185.
- Ndubisi, N. O., & Koo, J. (2006). Family structure and joint purchase decisions: two products analysis. *Management Research News, 29* (1), pg. 53-64.
- Najarianpoor, S., Fatehizadeh, M., & Abedi, M. R. (2011). Effects of Spiritual Cognitive Therapy on Marital Adjustment Paranoia Couples Esfahan City. *Journal of Counseling and Psychotherapy Culture, N 6*, pg. 91-105. (Persian).

- Prochaska, J., & Norkras, J. (2007). *Theories of Psychotherapy*. Translation of Yahya Sayyed Mohammadi (2012). Tehran: Ravan. (Persian).
- Sanaei, B., Alaghe band, S., Falahati, Sh., & Hooman., A. (2008). *Measures of Family and Marriage*. Tehran: Beasat. (Persian)
- Shakerian, A. (2011). The Role of Personality Dimensions in Predicting Marital Adjustment. *Scientific-Research Journal of Kermanshah Medical Sciences University N 1*, pg. 16-22. (Persian).
- Sholevar, G. P., & Schwoeeri, L. D. (2003). *Textbook of Family and Couples therapy* London: Washington, DC.
- Sinha, S. P., & Mukergee, N. (2001). Marital Adjustment and Personal Space Orientation. *The Journal of Social Psychology, 130* (5), pg 633-639.
- Soloymani, M. (2012). *Relation between Public health and Family Power Structure with Marital Conflict*. Kharazmi University, Master's thesis. (Persian)
- Trudel, G., & Goldfarb, M. R. (2010). Marital an sexual functioning and dysfunctioning, depression and anxiety. *Sexologies, 19*, 137—142.
- Wang, L., & Crane, D. R. (2001). The Relationship Between Marital Satisfaction Marital Stability, Nuclear Family Triangulation and Childhood Depression. *The American Journal of Family Therapy, 29*, 337-347.
- Whisman, M. A., & Jacobson, N. S. (1990). Power, Marital Satisfaction and Response to Marital Therapy. *Journal of Family Psychology, Vol. 4*, 202-212.
- Zarei toopkhaneh, M., Janbozorgi, M., & Ahmadi mohammad abadi, M. (2012). Relationship between Family Power Structure and Family Efficiency. *Psychology and Religion, N 3*, pg. 53-70. (Persian).

Journal of  
Thought & Behavior in Clinical Psychology  
Vol. 9 (No. 33), pp. 37-46, 2014

### **The Prediction of marital adjustment based on triangulation and structure of power in a family**

**Khakpoor, Iman**

Kharazmi University of Tehran. Tehran, Iran

**Nazari, Ali Mohammad**

Kharazmi University of Tehran. Tehran, Iran

**Zahra kar, Kianoosh**

Kharazmi University of Tehran. Tehran, Iran

Received: Sep 12, 2013

Accepted: March 08, 2013

A satisfied and successful marriage requires the stability and compatibility of couples. Marital adjustment has different dimensions, which are influenced by various factors. The state of the structural power in the family has an important role in marital satisfaction. Whenever the spouses are unable to agree on the distribution of power, the marital adjustment will be affected. The present study aims to predict marital adjustment through triangulation and structural power in a family. For this purpose, in a descriptive study, 220 married female teachers were selected randomly from elementary schools of Karaj. Regression analysis indicated that there is a significant difference between the structural power and triangulation with marital adjustment. According to the findings, we can say that the formation of structural power in a family and the inability of couples to resolve marital conflict with the formation of triangulation have an important role in marital adjustment.

**Keywords:** marital adjustment, triangulation, structural power of a family.

*Electronic mail may be sent to:* imkhakpoor@gmail.com